

عنوان مقاله:

تأثیر مصلحت اجتماعی در حکم فقهی فرزندخواندگی در مذاهب اسلامی

محل انتشار:

دوفصلنامه فقه مقارن، دوره 6، شماره 12 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 33

نویسندگان:

سید محمدصادق موسوی - دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری

عبدالحمید طالبی - دکترای فقه و حقوق خصوصی دانشگاه خوارزمی و عضو هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی

خلاصه مقاله:

فرزندخواندگی یا به اصطلاح فقهی آن تبنی، عنوانی کهن است که امروزه نیز مصادیق نوین فراوان در کشورهای اسلامی و غیراسلامی یافته است. این عنوان با قضیه ای در تاریخ اسلام که حاکی از رسمی دیرین در زمان جاهلیت است، پیوند خورده و شان نزول آیات چهارم و پنجم سوره احزاب را فراهم آورده است. قضیه فرزندخواندگی زید بن حارثه توسط پیامبر اسلام در حالی که آیات سوره احزاب دال بر ممنوعیت فرزندخواندگی به شکل دوران پیش از اسلام، یعنی تسری کلیه احکام فرزندان حقیقی به فرزندخوانده، موجب شده است در مذاهب اسلامی تحلیل این مسیله مورد توجه و مذاقه بیشتری قرار بگیرد. با مرور تاریخ زندگانی جوامع بشری، همیشه انسانها از زاویه پیوندهای عمیق انسانی و نوع دوستی توجه ویژه ای به کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست داشته اند، علاوه بر آن در جوامع اسلامی تعالیم عالی دین مبین اسلام، اهتمام به امور ایتم را مورد تاکید ویژه قرار داده است. از سوی دیگر فرزندخواندگی در شرایط کنونی، نقش و فایده چشمگیری در استحکام به کانون خانواده های بدون اولاد و سالم سازی جامعه و رفع مشکلات روحی اطفال بی سرپرست و کاهش ناهنجاری ها دارد. از آنجا که احکام اسلام دایرمدار مصالح و مفاسد است و این مصالح و مفاسد به خصوص آنجا که در زمینه امور اجتماعی است معقول المعنا و قابل درک بوده و می تواند راهگشای معضلات اجتماعی قرار گیرد، از این منظر، بررسی حکم فقهی فرزندخواندگی با تاکید بر نقش مصلحت و مسایل نوپیدای آن می تواند پاسخگوی مشکلات این دسته از کودکان در خانواده میزبان یا خانواده مراقب باشد.

کلمات کلیدی:

مصلحت اجتماعی، فرزندخواندگی، تبنی، فقه مذاهب اسلامی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/857118>

